



دانشگاه پیام نور

واحد تهران مرکز

موضوع

بررسی رابطه دلبستگی با شیوه فرزند پروری مادران ایرانی

مقیم ایران و آمریکا

استاد راهنما

جناب آقای دکتر فرهاد شقاقی

نگارش

ناهید حاجی ولی زاده

شماره دانشجویی

۸۶۷۱۰۶۲۴۷

تابستان ۸۹



تشکر و قدردانی:

خدای را سپاس که نگارش این اثر به پایان رسید، بر خود واجب می‌دانم از تمام بزرگوارانی که مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند تشکر و قدردانی کنم.

از استاد ارجمند و گرامی جناب آقای دکتر فرهاد شقاقی که با عنایت ارزنده و حوصله دقیق خود راهنمای من در پژوهش بودند سپاسگزارم. استاد مشاوره عزیز سرکار خانم دکتر مهناز علی اکبری که با حسن اخلاق و روی گشاده خود مشاور این اثر می‌باشند کمال تشکر را دارم. از آقای دکتر محمد احسان تقی زاده که با درایت و دقت نظر خود زحمت داوری این اثر را پذیرفته‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم.

چکیده فارسی:

به منظور بررسی رابطه سبک دلبستگی با شیوه فرزندپروری مادران ایرانی ساکن در ایران و امریکا، ۱۲۰ مادر ایرانی در امریکا و ۱۰۳ مادر در ایران پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۶) را تکمیل نمودند. تحلیل داده ها با SPSS حاکی از رابطه میان دلبستگی و شیوه فرزندپروری مادران است. رابطه دلبستگی ایمن با فرزندپروری اقتدارگرایانه در امریکا ۰,۱۸ و فرزندپروری سهل گیرانه ۰,۲۳- است. و ضریب همبستگی دلبستگی ایمن با سلطه جوئی در ایران ۰,۲۴- و نایمن دوسوگرا با سلطه جوئی ۰,۲۹ است. و در سطح ۰,۰۵ معنا دار است. دلبستگی اغلب مادران در دو کشور ایمن است و مادران با سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا در ایران بیشتر از امریکا می باشند. شیوه فرزند پروری مادران در هر دو کشور اقتدارگرایانه است. بین دلبستگی مادران در دو کشور تفاوت معنی دار وجود دارد ولی تفاوت میان شیوه فرزندپروری مادران در ایران و امریکا معنی دار نمی باشد. در پیش بینی شیوه فرزندپروری از سبک دلبستگی مادران تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. دلبستگی ایمن پیش بین شیوه فرزندپروری اقتدارگرایانه و سهل گیرانه است و دلبستگی نایمن دو سوگرا پیش بین فرزندپروری سلطه جویانه است. دلبستگی ایمن تنها ۳٪ از تغییرات شیوه اقتدار گرایانه و ۵٪ از تغییرات سهل گیرانه را تبیین می کند و ۴٪ از تغییرات شیوه سلطه جویانه بوسیله سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا تبیین می شود.

فهرست مطالب

فصل اول

- ۱ تعریف و بیان مسئله
- ۲ ۱-۱ مقدمه
- ۴ ۲-۱ بیان مسئله
- ۶ ۳-۱ سؤال و فرضیه پژوهش
- ۷ ۴-۱ اهداف پژوهش
- ۸ ۵-۱ متغیرهای پژوهش
- ۹ ۶-۱ تعاریف مفهومی
- ۱۰ ۷-۱ تعاریف عملیاتی

فصل دوم

- ۱۲ کلیات پژوهش
- ۱۳ ۱-۲ مقدمه
- ۱۳ ۲-۲ دل بستگی
- ۱۶ ۲-۲-۱ سبک های دل بستگی
- ۱۹ ۲-۲-۲ عوامل موثر بر سبک دل بستگی
- ۲۲ ۲-۲-۳ شکل گیری دل بستگی در نوزادان

۲۴	۲-۲-۴ دلبستگی نوجوانی و بزرگسالی
۲۵	۲-۲-۵ مقایسه دلبستگی کودک و بزرگسالی
۲۶	۲-۲-۶ مفاهیم اصلی نظریه دلبستگی
۲۶	مدل های درونکاری
۲۶	سیستم های رفتاری دلبستگی
۲۷	فعال کننده ها و پایان دهنده ها
۲۸	۲-۲-۷ تبیین نظری دلبستگی
۲۸	نظریه های روان پویشی
۲۸	نظریه ملانی کلاین
۲۹	نظریه ماهلر
۲۹	نظریه هینز کوهاث
۲۹	نظریه اتو کرنبرگ
۳۰	نظریه اریکسون
۳۰	نظریه فروم
۳۱	نظریه سالیوان
۳۱	نظریه یادگیری
۳۲	دیدگاه تحولی شناختی

۳۳	نظریه کردار شناختی
۳۴	نظریه بالبی در مورد دل بستگی
۳۶	مشخصه های اصلی نظریه دل بستگی
۳۷	۲-۲-۸ دل بستگی و رشد بعدی
۳۸	۲-۳ فرزند پروری
۳۹	۲-۳-۱ مفاهیم و نظریه ها
۳۹	۲-۳-۱-۱ نظریه بامریند
۴۲	۲-۳-۱-۲ نظریه اریکسون
۴۳	۲-۳-۱-۳ نظریه آدلر
۴۵	۲-۳-۱-۴ الگوی شفر
۴۶	۲-۳-۱-۵ نظریه خود تعیین گری
۴۸	۲-۳-۲ سبک های فرزند پروری
۵۳	۲-۳-۳ هسته ابعاد فرزند پروری
۵۵	۲-۳-۴ روابط میان ابعاد فرزند پروری
۵۷	۲-۳-۵ عوامل موثر بر فرزند پروری
۵۸	۲-۳-۶ پیامدهای فرزند پروری
۶۰	۲-۴ پیشینه پژوهش

۶۰

۲-۴-۱ پیشینه پژوهش در ایران

۶۱

۲-۴-۲ پیشینه پژوهش در خارج

فصل سوم

- ۶۵ روش و ابزار پژوهش
- ۶۶ ۳-۱ مقدمه
- ۶۶ ۳-۲ جامعه آماری و روش انتخاب نمونه
- ۶۶ ۳-۳ ابزار سنجش
- ۶۶ ۳-۳-۱ پرسش نامه سبک دلبستگی مادران
- ۶۷ ۳-۳-۲ پرسش نامه شیوه فرزندپروری
- ۶۸ ۳-۳-۳ روائی پرسشنامه
- ۶۸ ۳-۳-۴ پایائی پرسشنامه
- ۶۸ ۳-۴ شیوه اجرا
- ۶۹ ۳-۵ روش تجزیه تحلیل داده ها

فصل چهارم

- ۷۰ توصیف و تجزیه تحلیل داده ها
- ۷۱ ۴-۱ مقدمه
- ۷۱ ۴-۲ اطلاعات جمعیت شناختی
- ۷۲ ۴-۳ یافته های اطلاعات جمعیت شناختی
- ۷۲ ۴-۳-۱ توزیع شغلی مادران و نمودار

- ۷۳ ۴-۳-۲ توزیع میزان درآمد مادران و نمودار
- ۷۴ ۴-۳-۳ توزیع وضعیت تاهل مادران و نمودار
- ۷۵ ۴-۳-۴ توزیع سطح تحصیلات مادران و نمودار
- ۷۶ ۴-۳-۵ توزیع سطح تحصیلات پدران و نمودار
- ۷۷ ۴-۳-۶ توزیع میزان درآمد پدران و نمودار
- ۷۸ ۴-۳-۷ توزیع تعداد فرزندان خانواده و نمودار
- ۷۹ ۴-۳-۸ توزیع وضعیت سنی فرزندان، مادران و پدران و نمودار
- ۸۰ ۴-۳ اطلاعات توصیفی سبک های دل بستگی و فرزند پروری
- ۸۰ ۴-۳-۱ توزیع سبک فرزند پروری مادران و نمودار
- ۸۱ ۴-۳-۲ توزیع سلطه جویی و سهل گیری مادران با شیوه اقتدارگرا و نمودار
- ۸۲ ۴-۳-۳ توزیع سبک دل بستگی مادران و نمودار
- ۸۳ ۴-۴ یافته های مربوط به فرضیات تحقیق
- ۸۵ ۴-۴-۱ رابطه دل بستگی با شیوه فرزند پروری در ایران و امریکا متفاوت است
- ۸۵ ۴-۴-۲ دل بستگی مادران ایرانی در ایران و امریکا متفاوت است
- ۸۷ ۴-۴-۳ فرزند پروری مادران در ایران و امریکا متفاوت است
- ۸۹ ۴-۴-۴ دل بستگی مادران پیش بین مناسب شیوه فرزند پروری
- ۹۰ ۴-۴-۴-۱ دل بستگی مادران پیش بین مناسب فرزند پروری اقتدارگرایانه

۹۱ ۲-۴-۴-۴ دل‌بستگی مادران پیش بین مناسب فرزندپروری سلطه جویانه است

۹۲ ۳-۴-۴-۴ دل‌بستگی مادران پیش بین مناسب فرزندپروری سهل گیرانه است

۹۳ فصل پنجم

۹۴ ۱-۵ بحث و نتیجه گیری

۱۰۱ ۲-۵ پیشنهادات پژوهش

۱۰۲ ۳-۵ محدودیت های پژوهش

۱۰۳ چکیده انگلیسی

۱۰۴ منابع:

۱۰۴ منابع فارسی

۱۰۶ منابع انگلیسی

پیوست ها

پرسشنامه سبک دل‌بستگی کولینز و رید

پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند

فصل اول

تعريف و بيان مسئله

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی و رکن اصلی و عمده هر جامعه است. محیط خانه و پدر و مادر به عنوان عوامل اولیه و بنیادین تغییر و اجتماعی شدن کودک محسوب می‌شوند (بریسماستر^۱ و شفر^۲ ۲۰۰۷). بهمین دلیل داشتن روابطی ایمن و پایدار با والدین و پرورش در فضای آرام و منظم لازمه بهزیستی روانی و جامعه پذیری کودک است (واندلر، پرز و شویی^۳، ۲۰۰۷)، و تحول آن نیز متاثر از نگرش و نوع روابط والدین است (مک کوبی^۴ و مارتین^۵ ۱۹۸۳). هر چند کودک برخی از خصوصیات را از والدین به ارث می‌برد اما نقش والدین در رشد کودک تنها به جنبه‌های ارثی محدود نمی‌شود ایده آل‌ها، آرزوها، سبک دلبستگی و شیوه فرزندپروری همگی روی شکل دهی رفتار فرزندان تاثیر دارند. دارلینگ^۶ و استینبرگ^۷ (۱۹۹۳) فرزندپروری رانگرش و روش والدین در در پرورش کودک به هنگام تعامل با او که در رفتار آنان منعکس می‌شود توصیف کرده اند. بامریند^۸ نیز روابط بین کودک و والدینش را بطور متقابل معرفی می‌نماید، و فرزندپروری را رابطه والد-کودک تعریف می‌کند، در واقع او فرایند اجتماعی کردن کودک را دینامیک و پویا می‌داند. طبق نظر بامریند فرزندان در فرایند رشد خود همانند والدینشان سهیم‌اند. یافته‌های بامریند در سال‌های (۱۹۹۱ - ۱۹۸۰) نشان می‌دهد که مزاج کودکان نیز بر شیوه فرزند پروری والدین تاثیرگذار است. البته باید در نظر داشت که روابط والد-فرزند نقش منحصر به فردی در اجتماعی کردن کودک دارد (مک کوبی^۴ ۱۹۹۲)، و سبک انتخابی آنان به باز بودن فرزندان در مقابل تلاش‌های والدین برای اجتماعی کردن آنها مربوط است (دارلینگ و استینبرگ ۱۹۹۳). ماریسل^۹ در ضمن تحقیقات خود (۱۹۹۷) دریافت که خلق و حالت روان شناختی والدین نیز بر شیوه فرزندپروری آنان تاثیرگذار است. همه والدین با وظیفه ارتقابهینه تحول بهنجار و سلامت کودکان خود در چالش اند و این چالش‌ها در جهت رشد و پختگی جسمانی و تحول اجتماعی، هیجانی و عقلانی کودکان در ارتباط است

^۱- Briesmeister, M.J

^۲- Schaefer, E.C

^۳- Vandeleur, C. L., Perrez, M., & Schoebi, D.

^۴- Maccoby, E.E.

^۵- Martin, J.A.

^۶- Darling, N.

^۷- Steinberg, L.

^۸- Baumirnd, D.

^۹- Marisel, A.

(استریسند^۱ و ترسیاک^۲). به نظر اکثر پژوهشگران نقش اصلی والدین آموزش و مهارگری فرزندان است (دارلینگ ۲۰۰۰). البته سوال اساسی طرح شده در تحقیقات مربوط به اجتماعی کردن فرزند این است که سبک فرزند پروری چیست؟ پیامدهای سبک تربیتی متفاوت چه می تواند باشد؟ و عوامل تعیین کننده شیوه تربیتی والدین چیست؟ تغییر و تحول آنها در طول زندگی چگونه صورت می گیرد؟ به عبارت دیگر آیا نوع دلبستگی در اجتماعی کردن فرزندان موثر است؟ بالبی دلبستگی رابه عنوان رشد و توسعه راههای سالم در ارتباط با دیگران و در ضمن، تحقیقات خود در می یابد که نوع دلبستگی سالهای کودکی و نوجوانی، مسیر و الگوی رفتار را در سراسر زندگی مشخص می کند (بالبی، ۱۹۸۹-۱۹۶۹)، همچنین استوارت^۳ و باند^۴ (۲۰۰۲) تفاوتهای فرهنگی رابه عنوان عوامل تاثیرگذار بر شیوه فرزند پروری والدین مطرح نموده اند. (لاگاردیا^۵، راین^۶، کواچمن^۷ و دسی^۸ ۲۰۰۰) در ارزیابی دلبستگی در روابط رومانیک نشان دادند که حمایت از خود پیروی نقش مهمی در تغییر پذیری درون شخصی احساس امنیت دارد. (راین، ۲۰۰۷) مهرورزی و حمایت از خود پیروی را پیش بین دلبستگی بیان می نمایند. به نظر لاگاردیا و راین (۲۰۰۷) تفاوت های فردی پایدار همچون ایمنی دلبستگی و وابستگی همچنین تغییر پنج عامل بزرگ شخصیت بستگی به خود دارد. بدین ترتیب با توجه به اهمیت دلبستگی و خود پیروی که با تربیت و شیوه فرزند پروری مرتبط است، اهمیت رابطه دلبستگی و شیوه فرزند پروری آشکار و مشخص می گردد.

^۱ -Steinsant,R.

^۲ - Tercyak,P.

^۳ -Stewart

^۴ - bond

^۵ - Luardia,J.G.

^۶ - Ryan,R.M.

^۷ -Couchman ,C.E.

^۸ - Deci,E.L.

۱-۲ بیان مسئله

با توجه به نظریه بالبی که دلبستگی را پیوند عاطفی و عمیق افراد خاص در زندگی معرفی می‌نماید، بطوری که تعامل با آنها در زندگی ایجاد شغف و نشاط کرده و در هنگام استرس و تنیدگی حضور آنها ایجاد آرامش می‌نماید (بالبی ۱۹۹۶)، او معتقد است دلبستگی در دوره ای شکل می‌گیرد که در آن حساسیت زیادی به ویژگی مراقب وجود دارد، تجربیات اولیه با آنها نوع دلبستگی را تعیین و تداوم آن را در طول زمان تثبیت می‌نماید. بالبی اظهار می‌نماید که مدل کارکردی^۱ نسبت به خود و دیگران و تحولات آن همواره مبتنی بر تجربیات اولیه کودک با مراقبین خودمی‌باشد (۱۹۷۳). علیرغم نظریه بالبی لویس^۲ و واترز^۳ (۲۰۰۰) بیان نمودند، تجربیات دلبستگی همواره در طول زمان ثابت نمی‌باشد و بر اثر شرایط محیطی و رخدادهای منفی زندگی و تجربیات جدید ممکن است نوع دلبستگی تغییر کند. و در این ارتباط لیبرمن^۴ (۱۹۹۲) اظهار نمود که نقش اولین مراقب در روابط بعدی فرد با دیگران از انعطاف بسیاری برخوردار است و برخلاف نظر بالبی نمی‌توان آنرا غیرقابل تغییر تصور کرد. زیرا نیازها و توانایی‌های کودک و شیوه مراقبت از او در دوران رشد همواره متغیر است، و اگر والدین نتوانند نیازهای لازم را در طول زمان ارائه نمایند و یا فقدان در این زمینه رخ دهد، هماهنگی بین والدین و کودکان به طور منفی تحت تاثیر قرار می‌گیرد، زیرا دلبستگی والد-کودک یک فرایند دینامیک و پویا است. و این موضوعی است خوش‌بین کننده، زیرا امکان مداخله در عملکرد والد-کودک را فراهم می‌نماید و با تغییر الگوهای تعامل آنها می‌توان زندگی مطلوب تری برای کودکان فراهم نمود و در این راستا سیگل^۵ (۲۰۰۱) نیز دلبستگی ایمن را انعکاسی از روابط کنونی والد و کودک معرفی می‌نماید و معتقد است این دلبستگی را نمیتوان رابطه نهایی والد - کودک تلقی نمود.

کان^۶ و بوش^۷ (۲۰۰۸) در تحقیق خود نشان داده‌اند که مدل دلبستگی نا ایمن منجر به رفتارهای مثبت کمتر

^۱ - Working model

^۲ - Lewis, J.

^۳ - Walters, C.

^۴ - Lieberman, A.F.

^۵ - Seigel, D. J.

^۶ - Cowan, A.P.

^۷ - Bush, A.L.

ارتباط با شریک زندگی و گرایش بیشتر به کنترل می گردند. رتبا م^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش‌های خود در مورد متفاوت بودن دلبستگی در فرهنگ‌های مختلف صحبت می‌کند، زیرا بر اساس تحقیق در میان مردم ژاپن و آمریکا دریافت که حساسیت مادرانه منجر به دلبستگی ایمن می‌شود ولی نتایج متفاوت همبستگی میان حساسیت مادرانه و ایمن بودن کودک در جامعه ژاپنی و آمریکائی او را بر آن داشت که اظهار نماید که در دلبستگی تفاوت‌های درون فرهنگی شایع است. او فرهنگ را به عنوان یک متغیر اصلی و لازم برای نوع ارتباط والد- فرزند معرفی می‌نماید. همچنین تحقیق آلبرت^۲ و ترامزدروف^۳، (۲۰۰۵) بر روی رابطه میان سبک دلبستگی والدین با نوجوانانشان در هند و آلمان رابطه والد- فرزند و شیوه متفاوت فرزندپروری و تفاوت میان آن دو را ناشی از متفاوت بودن فرهنگ جمع‌گرائی هند و فردگرائی در آلمان می‌دانند. و حتی دورتی (۱۹۹۴) اهمیت سبک دلبستگی را در شکل دادن سبک عشق ورزیدن و دوست داشتن مهمتر از فرهنگ بیان می‌نماید، علاوه بر این توپمن و فاس (۲۰۰۲) در تحقیقات خود دخالت عوامل قومی و فرهنگی را در شکل‌گیری رابطه دلبستگی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی نشان دادند. اسپرچر^۴ (۲۰۰۲) فرهنگ را به عنوان میانجی سبک دلبستگی دوران کودکی و بزرگسالی معرفی می‌کند زیرا ارزش‌های فرهنگی تعیین‌کننده شیوه فرزندپروری اند، و نحوه فرزندپروری در شکل‌گیری دلبستگی موثر است و از طرف دیگر چگونگی ارتباط فرد با دیگران را در آینده مشخص می‌کند.

به طور کلی در مورد سبک دلبستگی دو دیدگاه مطرح است :

۱- دیدگاه فروید (۱۹۱۴) و بالبی (۱۹۵۹) که به عمومیت و جهانشمول بودن دلبستگی معتقدند و مدل کارکردی نسبت به خود و دیگران و تحولات آن مبتنی است بر اولین تجربیات دلبستگی و در طول زمان ثابت است (بالبی ۱۹۷۳). آینورث^۵ (۱۹۷۸) ارتباط بین عشق مادری و ایمن بودن فرزند را طرح می‌کند و (۱۹۹۳) بیان می‌کند که تجربیات دلبستگی اولیه بر طرح‌واره‌های ارتباط عمومی فرد تاثیرگذار است و تعیین‌کننده طرح-واره‌های دوست داشتن در بزرگسالی اند.

^۱ -Rothbaum ,F.

^۲ - Albert , I .

^۳ - Trammsdroff ,G.

^۴ - Sprecher ,

^۵ -Ainsworth , H .F .

۲- روتبام^۱ و وایز^۲ (۲۰۰۰) اساس دیدگاه دوم را در برابر جهانشمول بودن پدیده دل‌بستگی طرح می‌کنند، و اعتقاد آنان بر این اساس است که دل‌بستگی بتدریج رشد می‌نماید، و مفاهیم دل‌بستگی و شیوه فرزند پروری در فرهنگ‌های متفاوت با یکدیگر فرق دارند، در تحقیقات بایدهتفاوت‌ها و شباهت‌های میان دو فرهنگ راتعیین و اندازه‌گیری کرد. به همین منظور پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی رابطه سبک دل‌بستگی و شیوه فرزندپروری در میان مادران ایرانی در ایران و امریکا اثر فرهنگ و محیط را بر روی نگرش، باور و انتظارات مادران بررسی و به پاسخ این پرسش دست یابد، که آیا روابط کودک با اولین مراقب خود یک طرح ماندنی است یا تحت تاثیر محیط و فرهنگ تغییر می‌کند؟

۳-۱ سوال‌ها و فرضیه‌های پژوهش

۳-۱-۱ سوال‌های اصلی پژوهش

با توجه به تاثیر محیط و نقش فرهنگ بر روی نگرش‌ها، باورها و انتظارات افراد، سوال اصلی پژوهش این است که:

۱- آیا رابطه بین سبک دل‌بستگی با شیوه فرزند پروری در مادران ایرانی در ایران و امریکا با یکدیگر تفاوت دارد؟

هدف از بررسی این سوال این است که دریابیم آیا الهام از مکتب اسلام و فرهنگ شرقی یا جمع‌گرائی تاثیراتی متفاوت از فرهنگ غربی یا فردگرائی دارد؟ و به عبارت دیگر آیا مهاجرت و زندگی در امریکا باعث تغییر نگرش و باور آنها در مقایسه با مادران ایرانی گشته است؟

سوالات دیگر مطرح شده این است که :

۱- آیا دل‌بستگی مادران ایرانی در ایران و امریکا با هم متفاوت است؟

^۱ - Rothbaum , F .

^۲ - Weisz, J.

۲- آیا شیوه فرزند پروری مادران ایرانی در ایران و امریکا با هم متفاوت است؟

۳- آیا سبک دلبستگی مادران پیش بین مناسبی برای تعیین شیوه فرزند پروری آنان می باشد؟

۲-۳-۱ فرضیه های پژوهش

۱- بین دلبستگی و شیوه فرزند پروری مادران ایرانی در ایران و امریکا رابطه وجود دارد .

۲- دلبستگی مادران ایرانی در ایران و امریکا با هم تفاوت دارد .

۳- شیوه فرزند پروری مادران ایرانی در ایران و امریکا با هم تفاوت دارد .

۴- دلبستگی مادران پیش بین مناسبی برای شیوه فرزندپروری مادران است.

۴-۱ اهداف پژوهش

۱-۴-۱ اهداف اصلی

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با شیوه فرزند پروری مادران ایرانی در ایران و امریکا

۲-۴-۱ اهداف ویژه

از جمله ویژگیهای انسان انعطاف پذیری و تاثیرپذیری اوست. عقاید و نگرش‌ها، باورهای انسان را، و باورها، انتظارات و آرزوهای آدمی را تشکیل می‌دهند. انتظارات و آرزوها نیروی لازم برای حرکت و فعالیت را فراهم می نمایند باید در نظر داشت که دلبستگی والد- کودک یک فرایند دینامیک است و رابطه میان آن دو یک طرح ثابت نیست. با تغییر نگرش، انتظارات، باورها و آرزوهای آدمی تغییر می‌کند، بدین ترتیب می‌توان دریافت که میان آنها همواره یک تعامل و رابطه متقابل وجود دارد. به همین دلیل اهمیت شناخت محیط و جنبه‌های تاثیرگذار ضروری است. و برای ارتقاء بهداشت روان نیازمند پرداختن به کیفیت رابطه مادر- کودک هستیم (ساندر^۱ ۲۰۰۲).

^۱ - Sander, M.R.

لذا پژوهش حاضر بر آن است تا با دستیابی به اهداف زیر:

۱- شیوه فرزند پروری مادران مقیم ایران و امریکا با هم تفاوت دارد.

۲- دل بستگی مادران مقیم امریکا و ایران با هم تفاوت دارد.

۳- دل بستگی پیش بین مناسبی برای شیوه فرزند پروری مادران است.

به بررسی رابطه دل بستگی با شیوه فرزند پروری مادران پرداخته و تاثیرات تغییر محیط و فرهنگ را بر نگرش و رفتار مادران بخصوص در شیوه فرزند پروری آنها نشان دهد..

۱-۵ متغیرهای پژوهش

۱-۵-۱ متغیر مستقل

در پژوهش حاضر متغیر مستقل ما سبک دل بستگی مادران ایرانی و محل سکونت آنان (ایران یا امریکا) می باشد.

۱-۵-۲ متغیر وابسته

در پژوهش حاضر شیوه والدگری و فرزند پروری اتخاذ شده از سوی مادران، متغیر وابسته ما می باشد.

۱-۵-۳ متغیر کنترل

جنسیت و ملیت شرکت کنندگان در پژوهش حاضر، که همگی مادران ایرانی اند، متغیر کنترل ما در پژوهش می باشد.

۱-۵-۴ متغیر تعدیل کننده

سن، سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده ها متغیر تعدیل کننده پژوهش است.

۱-۶ تعاریف عملیاتی و مفهومی متغیر

۱-۶-۱ تعاریف مفهومی:

۱-۶-۱-۱ تعریف مفهومی سبک دلبستگی:

دلبستگی به معنی پیوند عاطفی ما با افراد خاص در زندگی است، و از یک مفهوم یونانی (Storage) گرفته شده است (اسپنسر^۱). و به نظریه‌ی دلبستگی پیوند عاطفی و عمیق با افراد خاص در زندگی است به طوری که تعامل با آنها در زندگی ایجاد شغف و نشاط کرده و در هنگام استرس و تنیدگی حضور آنها ایجاد آرامش می‌نماید. اولین رابطه عاطفی بین کودک با مادر یا مراقب او شکل می‌گیرد و این الگوی رفتاری در روابط بعدی او نیز تجلی می‌یابد. انواع دلبستگی عبارت است از:

سبک دلبستگی ایمن: این افراد با صمیمیت و پیوند عاطفی احساس راحتی می‌کنند و دیدگاهشان در باره دوست داشتن مثبت و واقعی است.

سبک دلبستگی اجتنابی: این گونه اشخاص نسبت به صمیمیت و وابستگی عاطفی راحت نیستند و نسبت به قصد و نیت دیگران احساس عدم امنیت می‌کنند و فاصله در روابط را ترجیح می‌دهند.

سبک دلبستگی دو سوگرا: چنین افرادی نسبت به صمیمیت عاطفی اشتغال ذهنی دارند و ترس از طرد شدن را تجربه می‌کنند (هازن و شیور ۱۹۸۷).

۱-۶-۱-۲ تعریف مفهومی فرزند پروری

فرزندپروری فعالیتی است پیچیده شامل بسیاری از رفتارهای اختصاصی که هر یک از والدین بطور جداگانه و یا با جلب مشارکت یکدیگر، از این مهارت‌ها استفاده می‌کنند تا رفتار کودک خود را تحت تاثیر قرار دهند

^۱-Spenser